

شیوع پرخاشگری در بین دانش آموزان مقطع متوسطه و مقایسه عوامل فردی و اجتماعی بین دانش آموزان پرخاشگر و غیر پرخاشگر در شهر سمنان

لیلا مکاری^۱، پرویز مصباحی^۲

^۱ کارشناس ارشد رشته روانشناسی عمومی.

^۲ استادیار گروه روانشناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

نام نویسنده مسئول:

لیلا مکاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۹

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی شیوع پرخاشگری در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر سمنان انجام شد. همچنین در مرحله دوم تحقیق عوامل فردی و اجتماعی بین دانش آموزان پرخاشگر و غیر پرخاشگر مورد مقایسه قرار گرفت. این پژوهش از نوع توصیفی و علی-مقایسه ای است که ۴۴۸ نفر از دانش آموزان با روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲)، سبک‌های فرزندپروری بامریند (PSI)، حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی (MSSPSS) و پرسشنامه ارزیابی ساخت شخصیت NEO استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل آزمون تحلیل واریانس چند متغیره تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که ۷۵/۷٪ دانش آموزان در دامنه نرمال پرخاشگری و ۱۵/۶٪ پرخاشگری بالا و ۸/۷٪ در دامنه پرخاشگری پایین قرار دارند. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره به منظور مقایسه گروه‌ها به لحاظ متغیرهای فردی و اجتماعی نشان داد که تفاوت گروه‌ها در متغیرهای حمایت خانوادگی، حمایت از سایرین، سبک فرزندپروری قاطع و ویژگی شخصیتی وظیفه شناسی معنادار می‌باشد. بر اساس یافته های تحقیق به والدین و همچنین دست اندرکاران آموزش و پرورش دانش آموزان توصیه می شود که در زمینه کنترل پرخاشگری به متغیرهای حمایت اجتماعی، سبک فرزند پروری و همچنین وظیفه شناسی به عنوان ویژگی شخصیتی قابل مداخله توجه داشته باشند.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، دانش آموزان، مقطع متوسطه، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، سمنان.

مقدمه

نوعی رفتار آسیب رسان است که ممکن است به حالت های گوناگونی انجام گردیده و حتی آسیب های روانی نظیر تحقیر، توهین و فحاشی را نیز به همراه داشته باشد (یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۵). این رفتار می تواند در خشم یا عوامل دیگر ریشه داشته باشد. بنابراین فرد پرخاشگر کسی است که با انجام رفتارهای عمدی می کوشد از راه کلامی (مانند فحش دادن و تهمت زدن) یا غیرکلامی (مانند کتک زدن، زخمی کردن و شکستن وسایل) به کسی یا چیزی آسیب بزند (امیری، ۱۳۹۴).

درباره عوامل پرخاشگری، نظریه های متفاوتی ارائه شده است. برخی بر سرشتی بودن پرخاشگری (انسان ها تنها به این دلیل پرخاشگرند که بخشی از طبیعت آنان پرخاشگری است)، برخی بر جنبه های زیستی، برخی بر سائق هایی چون ناکامی تاکید دارند. در نظریه یادگیری اجتماعی تأکید بر این است که پرخاشگری آموختنی است و رفتارهای پرخاشگرانه از راه آموزه های فرهنگی، تجربه مستقیم یا مشاهده رفتار دیگران آموخته می شود. همچنین در نظریه های شناختی تأکید می شود که عوامل شناختی نقش مهمی در تعیین واکنش پرخاشگرانه به موقعیت دارند (امیری، ۱۳۹۴).

امروزه در تبیین پرخاشگری الگوی عمومی پرخاشگری (GMA) مورد استفاده قرار می گیرد. بر مبنای چشم انداز یادگیری اجتماعی، الگوی عمومی پرخاشگری زنجیره ای از رویدادهاست که ممکن است نهایتاً به پرخاشگری آشکار بیانجامد و به وسیله دو نوع متغیر درون داد اصلی آغاز می شود. (۱) عوامل مربوط به موقعیت کنونی (عوامل موقعیتی)، و (۲) عوامل مربوط به شخص درگیر (عوامل شخصی). طبق این الگو، متغیرهای موقعیتی و فردی بعداً می توانند از طریق اثری که بر سه فرایند انگیزشی، حالت های عاطفی و شناخت دارند، منجر به پرخاشگری آشکار شوند. بسته به تعبیر و تفسیرها (ارزیابی ها) افراد از موقعیت کنونی و عوامل بازدارنده (مثل حضور پلیس)، یا به عمل عاقلانه یا به عمل تکانشی دست می زنند (بارون و همکاران، ۱۳۹۵).

گسترش دامنه ی بروز خشونت و پرخاشگری در جامعه ی ایران به ویژه در سالهای اخیر یکی از جدی ترین آسیبهای اجتماعی به شمار می رود. خشونت و پرخاشگری به اندازه ای شایع شده است که مردم در زندگی روزمره به نحوی آن را پذیرفته اند (توسلی و فاضلی، ۱۳۸۱).

با نگاهی اجمالی به نتایج مطالعاتی که در طی سال های اخیر در مورد رفتار خشونت آمیز و پرخاشگرانه نوجوانان انجام شده است، احتمال این که فردی در دوره راهنمایی و دبیرستان رفتار پرخاشگرانه یا خشونت آمیز از خود نشان دهد، آشکار می شود (لی و همکاران^۱، ۲۰۱۹؛ پارک و همکاران^۲، ۲۰۱۴؛ کلاکوجلایلیز و سولاک^۳، ۲۰۱۴).

چنانچه در الگوی عمومی پرخاشگری نیز بیان شد، پرخاشگری دارای ابعاد فردی و اجتماعی است. تحقیقات اخیر تایید می کند که بسیاری از مهمترین عوامل خطر و محافظتی برای پرخاشگری و خشونت در سیستم خانواده وجود دارد. ریسک های خانوادگی قبل از تولد شروع شده و شامل فرایندهای ژنتیکی و غیرژنتیکی می شود. فقر، درگیری و رفتارهای منفی والدین می توانند بر افزایش خشونت و پرخاشگری در نوجوانان تأثیر بگذارند. خانواده همچنین می تواند به عنوان یک سیستم در برابر خطر پرخاشگری و خشونت عمل کند. والدین می توانند با پرورش منابع انطباقی در کودک و جامعه، پیشرفت های رفتاری سلامتی را پیش ببرند. مداخلات موفقیت آمیز اغلب از طریق حمایت از والدین و خانواده ها، پرخاشگری و خشونت را کاهش می دهند. (لابلا و مستن^۴، ۲۰۱۸).

خشونت سلامت جسمی و روانی افراد و اجتماع را تهدید می کند و از اینکه افراد تمام توان خود را صرف خواسته ها و اهداف تحصیلی و شغلی نمایند؛ مانعت به عمل می آورد. رفتار خشونت آمیز علاوه بر آثار مقطعی و کوتاه مدت، دارای آثار و پیامدهای جسمی و روانی بلندمدت هم برای مرتکبین و هم برای قربانیان است (رایت^۵، ۲۰۰۶). اسپلیچ معتقد است که رفتار خشونت آمیز علاوه بر بروز صدمات جسمی و روانی مشهود و آنی، برای مرتکبین و قربانیان، پیامدهای نامطلوب آموزشی و روانی درازمدت نیز

1 - Lei

2- Park

3 Colakoglu, Filiz & Solak

4 - Madelyn H Labella, Ann S Masten

5 - Wright

دارد (اسپلیج، ۲۰۱۵). رفتار خشونت‌آمیز آثار منفی همچون از بین رفتن محیط خلایق، ایجاد فضای خشونت را و بروز نگرانی و اضطراب در محیط های آموزشی پی دارد (رایت، ۲۰۰۶).

قدیمی ترین تبیین علت پر خاشگری انسان، به طبیعت ذاتی انسان برای پر خاشگری و غریزه مرگ که به اعمال پر خاشگرانه منجر می شود، اشاره دارد اما دیدگاه های جدید، بیان می کند که پر خاشگری در انسان اگر هم ذاتی باشد قویاً تحت تاثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرد و معتقدند که بروز رفتار پر خاشگرانه در یک موقعیت خاص به عوامل مختلفی نظیر تجربه های گذشته، پاداش هایی که در زمان گذشته و یا حال نصیب او می شود و ارزش ها و نگرش هایی که اندیشه مربوط به مناسب بودن و اثرات بالقوه چنین رفتاری را در این شخص شکل می دهند، تاثیر می پذیرد. از دیگر عوامل موثر در بروز رفتارهای پر خاشگرانه می توان به عوامل عصب شناختی، اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل شخصی، عوامل موقعیتی و اقتصادی اشاره نمود (یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۵).

حمایت اجتماعی از موضوعات و حیطه های مهم در بحث سلامت روان افراد است. حمایت اجتماعی باعث میشود افراد باور کنند که مورد عشق، مراقبت، احترام و ارزش دیگران هستند و این که به شبکه های با تعهدات دو سویه تعلق دارند. حمایت های اجتماعی اغلب به کنش های متقابل بین فردی، شخص و ارتباطات اشاره دارد. نوع حمایت فراهم شده باید با موقعیت فرد و نیازهای وی متناسب باشد. کارکردهای حمایت اجتماعی بسیار است که از آن جمله می توان به افزایش سازگاری و افزایش مهارت های علمی، عملی ارتباطی و مدیریتی، افزایش صالحیت، کاهش استرس شغلی افزایش رضایت شغلی و تعهد را نام برد (حسینی و سلطانی، ۱۳۹۷).

بسیاری از روان شناسان معتقدند نوجوانی یک دگرگونی جسمانی، روانی، شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. شخصیت هر نوجوان آمیخته ای از ویژگی های ژنتیکی و یادگیری های محیطی است و بخش اعظم یادگیری محیطی فرد نیز در خانواده و به ویژه از طریق روش های تربیتی که والدین به کار می گیرند کسب می گردد (بالاخانی، ۱۳۹۰)، توجه به نقش اساسی خانواده در رشد و شکل گیری شخصیت فرزندان، می توان آن را به عنوان نقطه ی آغاز کسب مهارت های ارتباطی در نظر گرفت. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم ترین و عمده ترین نقش را در تربیت کودک ایفا می نماید. هم چنین هیچ بستری از نظر قدرت و گستره ی تأثیر با خانواده برابری نمی کند. خانواده بین افراد پیوندهایی برقرار می کند که منحصر به فرد هستند. کودکان در خانواده زبان، مهارت ها و ارزش های اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را می آموزند و بدون تردید یکی از عوامل مهم و مؤثر در کسب مهارت ها الگوهای تربیتی خانواده و شیوه های ارتباط والدین با فرزندان می باشد؛ بنابراین، شیوه ای که در برقراری ارتباط با دیگران اتخاذ می شود، عامل مهمی در تعامل اجتماعی می باشد و ارتباط ضعیف می تواند به روابط ناسالم منجر شده و فشار روانی را افزایش داده و موجب پر خاشگری می شود. در واقع بررسی بحران های نوجوانی و نیمه عمر نشان داده است رفتار خانواده و رابطه والدین نوجوان با رشد رفتاری و روانی نوجوان تطابق دارد. رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم، غیبت طولانی مدت یکی از والدین، وجود جو نامساعد در خانواده، پر خاشگر بودن پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی عدالتی در مورد نوجوان، تحقیر وی و احساس ناامنی، دخالت بیش از حد در کار وی و رفتار تهدیدآمیز از علل روانی اجتماعی در بروز پر خاشگری نوجوانان است. لذا یک خانواده سالم و پویا می تواند با ایجاد روابط گرم و صمیمی و استفاده از شیوه های فرزندپروری مناسب به نوجوان خود کمک کند تا از هر گونه فشار روانی، خشونت و پر خاشگری به دور باشد (عمرانی، ۱۳۹۶).

لذا با توجه به این که شیوع پر خاشگری در بین نوجوانان از جمله مهم ترین موضوعات مطرح حال حاضر ایران هستند که ذهن متخصصان و دانشگاہیان را به خود مشغول کرده اند. پیامدهای پر خاشگری گریبان گیر افراد و آحاد جامعه می شوند و حتی می توانند منجر به تهدید امنیت اجتماعی شوند. و با توجه به این که در ایران در رابطه با شیوع شناسی و عوامل فردی و اجتماعی در مقایسه دانش آموزان پر خاشگر و غیر پر خاشگر خلا پژوهشی دیده می شود. این مقاله در صدد بررسی موضوع مذکور برآمده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش، در فاز اول توصیفی از نوع توصیفی است. همچنین در ادامه با توجه به مقایسه دو گروه در فاز دوم از نوع علی مقایسه ای است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مشغول به تحصیل دوره متوسطه دوم در مدارس شهر سمنان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ که ۳۲۸۹ دانش آموز پسر و ۳۵۶۰ دانش آموز دختر که در مجموع ۶۸۴۹ نفر هستند، می باشد. با توجه به جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۴۴۸ نفر محاسبه گردید که تعداد دختر و پسر به تعداد مساوی ۲۲۴ نفر بودند و با روش تصادفی خوشه ای انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری؛ این پرسشنامه توسط باس و پری (۱۹۹۲) ساخته شد. این پرسشنامه چهار جنبه پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت، را می سنجد. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب بازآزمایی برای چهار زیرمقیاس (با فاصله ۹ هفته) ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ بدست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج نشانگر همسانی درونی زیرمقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ به دست آمده است.

۲. پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند (PSI) اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که براساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و سبک فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۰ ماده ای توسط دایانا بامریند (۱۹۷۲) طراحی شده است که ۱۰ عبارت آن به شیوه مستبدانه، ۱۰ گویه آن به روش مقتدرانه و ۱۰ عبارت دیگر آن به روش سهل گیرانه اختصاص دارد، و والدین آن را تکمیل می کنند. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسشهای شماره ۱۳، ۱۴، ۲۸ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی شوند در نتیجه پرسش های مزبور حذف شدند. این پرسشنامه شیوه های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. روایی و پایایی این پرسشنامه توسط بورای (۱۹۹۱) تایید شده است. بورای برای بررسی اعتبار وروایی این پرسشنامه از روش «افتراقی» استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/7$) (مهرفروز، ۱۳۷۸). بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش «باز آزمایی» استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین «ثبات درونی» را با استفاده از فرمول «آلفای کرونباخ» محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرفروز، ۱۳۷۸).

۳. پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی (MSSPSS) یک ابزار ۱۲ گویه ای است که به منظور ارزیابی حمایت اجتماعی ادراک شده از سه منبع خانواده، دوستان و افراد مهم در زندگی توسط زیمت و همکاران (۱۹۸۸) تهیه شده است. روایی و پایایی این مقیاس توسط زیمت و همکاران در حد مطلوب گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر برای نمره کلی حمایت اجتماعی ادراک شده و هر سه بعد خانواده، دوستان، و افراد مهم به ترتیب ۰/۷۲۶ و ۰/۷۶۴ و ۰/۷۶۳ محاسبه گردید.

۴. پرسشنامه شخصیتی NEO؛ این پرسشنامه شخصیتی توسط مک کری و کاستا (۱۹۸۵) ساخته شد. این پرسشنامه فرم کوتاهی نیز به نام (NEO-FFI) دارد که یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می رود. این پرسشنامه شخصیتی توسط مک کری و کاستا روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ - ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس های روان آزردهی خویی، برون گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش های شخصی و نیز در گزارش های زوج ها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

روش تجزیه و تحلیل داده ها

داده های حاصل از اجرای پرسشنامه ها در دو سطح توصیفی و استنباطی (شامل آزمون تحلیل واریانس چند متغیره) تجزیه و تحلیل شد.

یافته های تحقیق

در بخش آمار توصیفی و در واقع توصیف شاخص های مورد پژوهش از میانگین، انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون چند متغیر اثر پیلای و تحلیل واریانس یک متغیره به منظور مقایسه گروه ها در زیرمقیاس های پرخاشگری استفاده شده است.

جدول (۱) توزیع فراوانی دانش آموزان بر اساس رفتار پرخاشگری کلی

گروه	فراوانی	درصد
غیر پرخاشگر	۳۳۹	۷۵/۷
پر خاشگری بالا	۷۰	۱۵/۶
پر خاشگری پایین	۳۹	۸/۷

چنانچه در جدول ۱، مشاهده می شود ۷۵/۷ درصد دانش آموزان به لحاظ پرخاشگری در دامنه نرمال قرار دارند و به ترتیب ۱۵/۶ و ۸/۷ درصد دانش آموزان پرخاشگری بالا و پایین دارند.

جدول (۲) شاخص های توصیفی مربوط به پرخاشگری در بین سه گروه دانش آموزان

پر خاشگری	گروه	میانگین	انحراف معیار
بدنی	عادی	۲۷/۵۱	۳/۷۲
	پر خاشگری بالا	۳۵/۰۲	۳/۹۶
	پر خاشگری پایین	۱۹/۸۲	۳/۴۷
کلامی	عادی	۱۴/۶۲	۲/۳۲
	پر خاشگری بالا	۱۹/۹۷	۳/۱۶
	پر خاشگری پایین	۱۰/۱۲	۲/۵۶
خصوصیت	عادی	۲۳/۶۶	۳/۲۵
	پر خاشگری بالا	۳۱/۷۷	۴/۵۱
	پر خاشگری پایین	۱۶/۲۸	۳/۸۶
خشم	عادی	۲۰/۰۶	۳/۰۸
	پر خاشگری بالا	۲۷/۶۸	۴/۴۰
	پر خاشگری پایین	۱۴/۴۱	۲/۷۰

در جدول ۲، یافته های توصیفی میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس های پرخاشگری بدنی، کلامی، خصوصیت و خشم به تفکیک سه گروه عادی، پرخاشگری بالا و پایین ارائه شده است.

جدول (۳) یافته‌های توصیفی مربوط به حمایت اجتماعی

گروه	متغیر	میانگین	انحراف معیار
عادی	حمایت اجتماعی خانواده	۱۶/۴۵	۵/۳۳
بالا		۲۰/۴۲	۶/۸۳
پایین		۱۴/۹۸	۵/۵۵
عادی	دوستان	۱۶/۰۰	۵/۳۴
بالا		۱۸/۲۲	۶/۹۰
پایین		۱۵/۵۴	۶/۰۴
عادی	سایر	۱۴/۹۱	۵/۵۷
بالا		۱۹/۲۵	۶/۲۸
پایین		۱۳/۹۵	۶/۶۲

چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس‌های مربوط به حمایت اجتماعی خانواده، دوستان و سایر افراد مهم به تفکیک سه گروه عادی، پرخاشگری بالا و پایین ارائه شده است.

جدول (۴) یافته‌های توصیفی مربوط به سبک فرزندپروری به تفکیک سه گروه

گروه	متغیر	میانگین	انحراف معیار
عادی	سهل گیر	۲۹/۴۶	۱۱/۲۸
بالا		۳۱/۱۵	۸/۶۵
پایین		۲۶/۸۷	۶/۲۵
عادی	استبدادی	۲۶/۰۷	۵/۳۲
بالا		۲۳/۹۵	۹/۳۷
پایین		۲۳/۲۶	۵/۸۶
عادی	قاطع	۲۷/۹۲	۵/۶۴
بالا		۳۲/۱۲	۷/۶۵
پایین		۲۵/۸۹	۱۰/۷۱

چنانچه در جدول (۴)، مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس‌های مربوط به سبک فرزندپروری سهل گیر، استبدادی و قاطع به تفکیک سه گروه عادی، پرخاشگری بالا و پایین ارائه شده است.

جدول (۵) یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های شخصیتی به تفکیک سه گروه

گروه	متغیر	میانگین	انحراف معیار
عادی	روان آزردهی خوبی	۳۴/۷۹	۶/۰۳
بالا		۳۵/۲۶	۸/۴۱
پایین		۳۳/۹۳	۷/۶۶
عادی	برون گرایی	۳۷/۱۲	۶/۷۸

۶/۱۶	۳۸/۵۴		بالا
۶/۴۶	۳۷/۳۳		پایین
۶/۵۶	۳۶/۹۵		عادی
۸/۱۳	۳۷/۵۵	باز بودن نسبت به تجربه	بالا
۷/۰۳	۳۴/۱۴		پایین
۵/۳۸	۳۶/۰۴		عادی
۶/۱۲	۳۸/۲۱	سازگاری	بالا
۷/۳۴	۳۵/۸۹		پایین
۶/۶۵	۳۷/۴۴		عادی
۷/۸۴	۴۰/۰۴	وظیفه شناسی	بالا
۶/۷۳	۳۵/۳۲		پایین

چنانچه در جدول ۸ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس‌های مربوط به ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، سازگاری و وظیفه‌شناسی به تفکیک سه گروه عادی، پرخاشگری بالا و پایین ارائه شده است.

مقایسه سه گروه به لحاظ متغیرهای فردی و اجتماعی

پیش از اجرای تحلیل واریانس چند متغیره پیش فرض‌های همگنی واریانس (آزمون F) و همگنی ماتریس کوواریانس‌ها ($MBOX$) اجرا و مورد تأیید قرار گرفت. مقدار F در آزمون چند متغیره اثر پیلایی برابر با ۱/۹۶ به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۸ معنادار بود. با توجه به مقدار F و سطح معناداری ترکیب خطی متغیرهای فردی و اجتماعی بین گروه‌های پژوهش تفاوت معناداری دارد.

جدول ۶) نتایج تحلیل واریانس تک متغیر به منظور مقایسه گروه‌ها به لحاظ متغیرهای فردی و اجتماعی

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	معناداری
گروه	خانوادگی	۶۲۷/۷۱	۲	۸/۸۷	۰/۰۰۰۱
	دوستان	۱۶۳/۰۸	۲	۲/۱۶	۰/۱۱۹
	سایر	۶۳۱/۹۷	۲	۸/۲۸	۰/۰۰۰۱
	سهل گیر	۳۶۶/۸۳	۲	۲/۲۷	۰/۱۰۸
	استبدادی	۱۶۹/۹۲	۲	۱/۶۸	۰/۱۸۹
	قاطع	۷۹۹/۰۴	۲	۵/۸۷	۰/۰۰۴
	روان‌آزردگی خویی	۳۵/۵۶	۲	۰/۳۲۲	۰/۷۲۶
	برون‌گرایی	۴۶/۹۰	۲	۰/۵۵۹	۰/۵۷۳
	باز بودن نسبت به تجربه سازگاری	۲۵۹/۶۲	۲	۲/۴۵	۰/۰۹۱
	وظیفه‌شناسی	۱۳۴/۷۵	۲	۱/۶۸	۰/۱۹۰
		۴۴۱/۸۵	۲	۴/۳۸	۰/۰۱۵

چنانچه در جدول ۶ مشاهده می‌شود، تفاوت گروه‌ها تنها در متغیرهای حمایت خانوادگی، حمایت از سایرین، سبک فرزندپروری قاطع و ویژگی شخصیتی وظیفه شناسی به لحاظ پرخاشگری کلی معنادار می‌باشد و در متغیرهای دوستان، سبک فرزندپروری سهل گیر و استبدادی، متغیرهای شخصیتی روان آزدگی خویی، برون گرایی بازبودن نسبت به تجربه و سازگاری رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول ۷) مقایسه زوجی گروه‌ها به لحاظ متغیرهای فردی و اجتماعی

گروه	در مقایسه با گروه	متغیر	تفاوت میانگین	معناداری
عادی	بالا	حمایت خانوادگی	-۳/۹۷	۰/۰۱۰
	پایین		۱/۴۶	۰/۸۳۱
بالا	پایین		۵/۴۳	۰/۰۰۰۱
عادی	بالا	حمایت سایرین	-۴/۳۴	۰/۰۰۶
	پایین		۰/۹۵۱	۱
بالا	پایین		۵/۲۹	۰/۰۰۱
عادی	بالا	سبک قاطع	-۴/۲۰	۰/۰۷۴
	پایین		۲/۰۲	۰/۸۳۲
بالا	پایین		۶/۲۲	۰/۰۰۳
عادی	بالا	وظیفه شناسی	-۲/۶۰	۰/۳۱۰
	پایین		۲/۱۱	۰/۵۶۶
بالا	پایین		۴/۷۱	۰/۰۱۱

چنانچه در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود تفاوت دو گروه عادی و پرخاشگری بالا و گروه پرخاشگری پایین در حمایت اجتماعی از سایرین معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف بررسی شیوع پرخاشگری در بین دانش آموزان مقطع متوسطه و مقایسه عوامل فردی و اجتماعی بین دانش آموزان پرخاشگر و غیر پرخاشگر در شهر سمنان انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که بیش از ۷۵ درصد دانش آموزان به لحاظ پرخاشگری در دامنه نرمال و پس از آن به ترتیب ۱۵/۶٪ پرخاشگری بالا و ۸/۷٪ پرخاشگری پایین بودند. نتایج جدول تحلیل واریانس تک متغیر به منظور مقایسه گروه‌ها به لحاظ متغیرهای فردی و اجتماعی نشان داد که تفاوت گروه‌ها در متغیرهای حمایت خانوادگی، حمایت از سایرین، سبک فرزندپروری قاطع و ویژگی شخصیتی وظیفه شناسی معنادار می‌باشد. نتایج مقایسه زوجی گروه‌ها به لحاظ متغیرهای فردی و اجتماعی نیز نشان داد که تفاوت دو گروه عادی و پرخاشگری بالا و گروه پرخاشگری پایین در حمایت اجتماعی از سایرین معنادار است. همچنین تفاوت دو گروه پرخاشگری بالا و پایین در سبک فرزندپروری قاطع معنادار است و تفاوت دو گروه پرخاشگری بالا و پایین در وظیفه شناسی نیز معنادار است. بنابراین با توجه به نتایج تحقیق تفاوت گروه‌ها در دو متغیر ادراک حمایت از سوی خانواده و حمایت از سایرین با پرخاشگری معنی‌دار می‌باشد که در این مورد نتایج تحقیق با یافته‌های اصغرنژاد و همکاران (۱۳۹۶)، ایمان و همکاران (۱۳۹۴) و لایلا و مستن (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در تفسیر رابطه به دست آمده میتوان اینگونه استنباط نمود زمانی که حمایت اعضای خانواده از یکدیگر به عنوان منابع عاطفی در دسترس به ویژه از سوی والدین برای فرزندان فراهم شود، نوجوانان فرصت خواهند یافت بدون اضطراب و ترس از سرزنش و تنبیه به ابراز وجود بپردازند و در موارد لزوم از طریق رفتارهای منطقی و سازش‌یافته از حقوق خود دفاع کنند. علاوه بر این، در خانواده های حمایتگر، نوجوانان مهارت های ارتباطی موثر را با مشاهده عملکرد صحیح والدین در روابط

زناشویی و روابط والدین با خودشان از طریق تقلید و همانندسازی می آموزند و آنها را درونسازی می کنند. این امر به نوبه خود سبب می شود نوجوانان در رویارویی با تعارض ها و موانع و مشکلات موقعیتی از راهبردهای مناسب استفاده کنند و در روابط بین فردی با دیگران کمتر از رفتارهای پرخاشگرانه استفاده کنند. همچنین تمایل به درک و کمک برای برطرف کردن نیازها و دغدغه های افراد خانواده از ویژگی های خانواده های حمایتگر است. از این رو در شرایط طبیعی در خانواده های به دور از تعارض و گسیختگی، ارزشها و هنجارهای خانواده و جامعه به خوبی منتقل میشود و به گفته شارما (۲۰۱۲) خانواده های بهنجار، فرزندان خود را به اندیشیدن در مورد تأثیر احتمالی رفتار خود بر دیگران تشویق می کنند. لذا در این خانواده ها، احتمال آن که فرزندان کدهای اخلاقی را درونسازی کنند، بیشتر وجود دارد و چنین کدهایی منجر به عملکرد مناسب فرزندان و کاهش پرخاشگری در رفتار آنان می شود. از سوی دیگر، در خانواده هایی که تعارض و کشمکش بین والدین و اعضای خانواده وجود دارد و نظارت و کنترل کافی بر نوجوان وجود نداشته باشد و نوجوان پیوسته از سوی والدین طرد شود، این امر سبب میشود تا نوجوانان نتوانند از الگوهای ارتباطی مؤثر در روابط بین فردی خود با دیگران بهره مند شوند و موانع و مشکلات موقعیتی و تنیدگی را کنار زنند. بنابراین از راهبردهای ناکارآمدی همچون پرخاشگری، برای مقابله با تعارضها و رسیدن به اهداف و خواسته های خود استفاده می کنند. علاوه بر این، خانواده هایی که منسجم و حمایتگر هستند می توانند سرچشمه بازخوردهایی شوند که رشد شناختی، هیجانی و رفتاری را تقویت کرده، به طوری که کودکان و نوجوانان میتوانند با شرایط مختلف و با شیوه های مؤثر مقابله کنند.

همچنین براساس نتایج میتوان تحلیل کرد که باور داشتن نوجوانان و توجه به جایگاه آنان و نادیده نگرفتن خواسته های طبیعی و فطری آنها از مسائل بسیار مهمی است که باید توسط دیگران مهم مورد توجه قرار بگیرد. چرا که نادیده گرفتن این عوامل باعث می شوند که نوجوان نیز تعهد و مسئولیتی را در قبال جامعه قبول نکند. سهم نبودن نوجوان در تصمیم سازی و عدم احترام به رای و اعتقاد آنها و دخالت ندادن آنها در مشارکتهای عمومی، شخصیت آنها را ضعیف بار آورده و نسبت به اصول و عقاید بی مسئولیت می کند. ایمان به نوجوان و کشف تواناییهای او و واگذاری مسئولیتهای اجتماعی به او از اصولی است که سازمانهایی که خود را حامی نوجوانان می دانند، باید به آن اهمیت دهند و در این زمینه کاری انجام دهند. در این زمینه گار از معروفترین اندیشمندان در عرصه مطالعات جنبشهای اجتماعی با رویکردی تعاملی به بحث محرومیت نسبی در شکل گیری رفتارهای پرخاشگرانه میپردازد و معتقد است که محرومیت نسبی افراد از جمله متغیرهای مهم و مؤثر در شکل گیری تمامی جنبشهای اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ بوده است که از طرف طبقات پایین جامعه ظهور مییابد. براین اساس لازم است سیاستهایی تدوین شود که در آن به نوجوانان به عنوان سرمایه های ارزشمندی برای هدایت فرایند پیشرفت در جامعه نگریسته شود.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که تفاوت گروه ها تنها در متغیرهای وظیفه شناسی به لحاظ پرخاشگری کلی معنادار می باشد و تفاوت گروه ها در متغیرهای شخصیتی روان آزردهایی، خویی، برون گرایی، بازبودن نسبت به تجربه و سازگاری معنادار نمی باشد که نتایج این مطالعه به جز در مورد متغیر وظیفه شناسی با یافته های سیدحسینی و همکاران (۱۳۹۷) هم راستا می باشد. در تبیین این یافته میتوان گفت که افراد وظیفه شناس علی رغم موانع موجود، در رفع آنها مصرند و تمایل به دقت و کامل بودن دارند. وظیفه شناسی معمولاً با پشتکار و قابلیتهای جسمانی مرتبط است. لذا این افراد دارای ویژگی هایی همچون تلاشگر بودن، احساس مسئولیت و تسلیم نشدن در برابر موانع و هدف گرا بودن هستند. افراد وظیفه شناس وظایف خود را به گونه ای دقیق انجام داده که در پی آن به موقعیت دست یابند و این امر موجب شکل گیری احساس شایستگی و خودکارآمدی در آن ها می شود. افراد فاقد این صفت از باریک بینی لازم، دقت و پاکیزگی زیاد اجتناب می کنند. زیر مقیاسهای وظیفه شناسی عبارتند از شایستگی، نظم و ترتیب، فرمانبرداری، پیشرفت طلبی، خود نظم دهی و حساسگری مفید بوده و شاخص مناسبی برای پیشگویی عملکرد در بسیاری از مشاغل میباشد. چرا که تمایل این افراد برای دستیابی به موفقیت بیش تر است که نتایج این مطالعه در این مورد با یافته های سیدحسینی و همکاران (۱۳۹۷) هم راستا می باشد.

همچنین نتایج جدول تحلیل واریانس تک متغیر به منظور مقایسه گروه ها، نشان داد که تفاوت گروه ها در متغیر سبک فرزندپروری قاطع به لحاظ پرخاشگری معنادار می باشد و در مورد نتایج سبک فرزندپروری سهل گیر رابطه معنادار وجود ندارد که این نتایج با یافته های مطالعه ی عمرانی (۱۳۹۶) هم راستا می باشد اما تفاوت گروه ها در سبک فرزندپروری استبدادی و پرخاشگری در این تحقیق معنادار نبود که در این مورد نتایج با یافته های عمرانی (۱۳۹۶) لئو و یانگ (۲۰۱۸) هم راستا نبود. در

تبیین این یافته باید گفت که سبک فرزندپروری قاطع بیانگر تعامل مناسب و توأم با صمیمیت و در عین حال، کنترل منصفانه و واقع بینانه است ولی سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی بیانگر تعامل نامناسب و کنترل غیرمنطقی فرزندان می‌باشد. نحوه‌ی ارتباط والدین با نوجوانان، قوی‌ترین عامل مؤثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می‌شود. به خصوص در دوره‌هایی از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می‌شود. والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثباتند، در نحوه‌ی تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند، از الگوهای فرزندپروری مبتنی بر طرد حمایت افراطی با تسلط یا اغماض، انضباط دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال‌جویی‌های غیرمنطقی و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده می‌کنند، رفتارهای نوروپیک را در نوجوانان تثبیت می‌کنند و سبب می‌شوند که نوجوانان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود، ناکام بمانند.

سبک فرزندپروری قاطع با ترکیبی از کنترلی و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند. آن‌ها در عین حال که بر رفتارهای کودکان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند. این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی، اتکا به خود بالاتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ دهی به خواسته‌های نوجوان مشخص می‌شود. سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای ضد اجتماعی رابطه‌ی منفی دارد، کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی-هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند، از عزت نفس بالایی برخوردارند و گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی و کنجکاوی در آن‌ها زیاد است. بنابراین با توجه به تبیین‌هایی که در مورد سبک فرزندپروری مقتدرانه به عمل آمد و نتایج پژوهش‌های گذشته و نتیجه حاصله مورد تأیید واقع می‌شود.

با توجه به شیوع پرخاشگری میان دانش‌آموزان مدارس و پیامدهای ناشی از آن ضرورت دارد که والدین، مدیران، معلمان و متولیان امر تعلیم و تربیت به برگزاری کارگاه‌های آموزشی ویژه نوجوانان با هدف آموزش کنترل خشم و پرخاشگری بپردازند. بدین ترتیب با آگاهی بخشی به نوجوانان، می‌توان دامنه‌ی مهارت‌های آنان را افزایش داد و زندگی کم‌خطرتری را برای آنان مهیا نمود. همچنین نباید که از آموزش والدین و خانواده‌ها در رابطه با سبک فرزند پروری و فراهم کردن حمایت اجتماعی برای دانش آموزان غفلت نمود.

منابع و مراجع

- [۱] اتکنیسون، ریتال ال. و همکاران، ۱۳۸۴، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه‌ی حسن رفیعی، محسن ارجمند و مرسد سمیعی، تهران، ارجمند.
- [۲] اسماعیل‌زاده، هاجر؛ اسدی، مسعود؛ میری، میرنادر، کرامتکار، مریم، ۱۳۹۳، بررسی شیوع رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان شهر قزوین در سالهای ۹۱-۱۳۹۰، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران؛ دوره ۱۰، شماره ۳ صفحات ۸۵-۷۲.
- [۳] اصغرنژاد، نجف؛ موسویان زاده، عالم، موسویان زاده، توران. ۱۳۹۶، بررسی عوامل مؤثر بر بروز خشونت در بین دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر دهشت در سال ۱۳۹۶، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره بیست و سوم، صص ۳۰-۱.
- [۴] امیری، حسین، ۱۳۹۴، نوجوان در نقش شکیبایی؛ پرخاشگری نوجوان، عوامل و راهکارهای کنترل، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- [۵] ایمان، محمدتقی؛ بهمنی، لیلا و دل‌آور، مریم سادات، ۱۳۹۵، سنجش جامعه‌شناختی ناهنجاریهای رفتاری دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهر شیراز)، فصلنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق)، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳.
- [۶] بارون، رابرت؛ بیرن؛ دان، برنسکامب، نایلا. ۱۳۹۵، روانشناسی اجتماعی، ترجمه دکتر یوسف کریمی، تهران، روان.
- [۷] بالاخانی، زیبا، ۱۳۹۰، بررسی رابطه بین شیوه‌های سبک فرزندپروری والدین با تاب‌آوری، منبع کنترل و پرخاشگری فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور تهران.
- [۸] ترشیزی، مرضیه و سعادتجو، سید علیرضا، ۱۳۹۱، شیوع پرخاشگری و برخی عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر بیرجند، مراقبتهای نوین، فصلنامه‌ی علمی دانشکده‌ی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۹، ش ۴.
- [۹] حسینی، سید فخرالدین؛ سلطانی، فائزه. ارتباط حمایت‌های اجتماعی با پرخاشگری و ناامیدی در پرستاران، خرداد و تیر ۱۳۹۷، نشریه پژوهش پرستاری ایران، دوره ۱۳، ش ۲، صص ۷۹-۷۳.
- [۱۰] جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۳، روانشناسی اجتماعی با نگرش بر منابع اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- [۱۱] شیرکش، سمیه؛ میرزایی، مهشید؛ تبری، رسول؛ کاظم نژاد لیلی، احسان، رستمی، مریم؛ زمستان ۱۳۹۵، پرخاشگری و عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با آن در کودکان پیش دبستانی، پرستاری و مامایی جامع نگر، سال ۲۶، شماره ۸۲، صفحات ۹۸-۹۰.
- [۱۲] عمرانی، لیلا، اسفند ۱۳۹۶، پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری دانش‌آموزان دختر متوسطه اول پایه نهم شهرستان کهنوج، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ۲، ش ۱۷، صفحات ۳۶-۲۴.
- [۱۳] قربانی، علیرضا؛ جمعه‌نیا، سکینه. تابستان ۱۳۹۷، نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره پیاپی ۷۰، شماره دوم، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- [۱۴] محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۹، مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق، نامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۸، شماره‌ی پیاپی ۱.
- [۱۵] یوسفی، فرزانه؛ تجربه کار، مهشید. ۱۳۹۵، پرخاشگری و عوامل مؤثر در بروز آن، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، دبیرخانه دائمی کنفرانس
- [16] Colakoglu, Fatma. Filiz. Nadir, Solak. (October 2014), Examination of Aggression Levels and Empathic Tendency Levels of Secondary School Students who Involve or not Involve in Sports, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 152, Pages 415-420.
- [17] Espelage, D. (2015). "Data needs for emerging research issues in bully and violence prevention: strengths and limitations of the national center for educational statistics data sets", <http://ero.sagepub.com>, July September 2015, Vol. 1, No. 3, 1-7.
- [18] Labella, Madelyn H. Masten, Ann S. February 2018, Family influences on the development of aggression and violence, Current Opinion in Psychology, Volume 19, Pages 11-16

- [19] Lei, Hao . Chiu, Ming Ming. Cui, Yunhuo. Li, Shunyu. Lu. Minghui, September 2019, Changes in aggression among mainland Chinese elementary, junior high, and senior high school students across years: A cross-temporal meta-analysis, Journal Pre-proof.
- [20] Liu, Meifang Wang, meifang, December 2018, Parental harsh discipline and adolescent problem behavior in China: Perceived normativeness as a moderator, Child Abuse & Neglect , Volume 86, Pages 1-9.
- [21] Park, MiJeong. Seung-JooLim, JiheaChoi , December 2014, Factors Affecting Aggression in South Korean Middle School Students -Asian Nursing Research, Volume 8, Issue 4, Pages 247-253